



ترس از خدا و لباس روئین را آرامش قرار دهید/ تفاوت جهاد با قتال

واژه جهاد مفهومی وسیعتر از «قتال» دارد و مصداق آن منحصر در مبارزه نظامی نیست. «قتال» مصداقش تنها مبارزه و رویارویی نظامی است ...

خبرگزاری مهر - واژه جهاد مفهومی وسیعتر از «قتال» دارد و مصداق آن منحصر در مبارزه نظامی نیست. «قتال» مصداقش تنها مبارزه و رویارویی نظامی است که فقط با جان تحقق می یابد. اما جهاد هم می تواند با جان و هم با مال و هم با امور دیگر باشد. امام علی(ع) در یکی از ایام جنگ خونین صفین در برابر معاویه ستمگر به اصحابش فرمودند: «ای مسلمانان! لباس زیرین را ترس از خدا(و احساس مسئولیت) و لباس روئین را، آرامش و خونسردی قرار دهید، دندانها را بر هم بفشارید تا مقاومت شما در برابر ضربات دشمن بیشتر گردد، زره نبرد را تکمیل سازید و پیش از آنکه شمشیر را از نیام بکشید چند بار آنرا تکان دهید(تا به آسانی از نیام بیرون آید) با تندی و خشم و بی اعتنائی به دشمن نظر افکنید و به هر طرف حمله کنید، لبه تیز شمشیر را به کار ببرید و با پیش نهادن گام، شمشیر را به دشمن برسانید و بدانید هم اکنون در حال جهاد در پیشگاه خداوند قرار دارید و با پسر عموی پیغمبر همراهید. پی در پی حمله کنید! و از فرار شرم نمائید چه اینکه فرار از جنگ، لکه ننگی است که در نسلهای آینده شما می ماند و آتشی است در رستاخیز، از شهادت خوشحال باشید و به آسانی از آن استقبال کنید. به آن گروه کثیر و سراپرده پر زرق و برق(معاویه) به سختی حمله برید و در دل آن به نبرد بیردازید که شیطان در کنار آن پنهان شده، دستی برای حمله به پیش دارد و پایی برای فرار به عقب نهاده، مقاومت کنید تا عمود حق بر شما آشکار گردد. شما برترید! خدا با شماست و از زحمات شما نمی کاهد.»

«اسماء بن حکیم فزاری» نقل می کند. ما در صفین همراه علی(ع) تحت فرماندهی عمار یاسر بودیم، آفتاب بالا آمده بود هوا سخت گرم بود، ناگاه مردی صف را شکافت تا به ما رسید. پرسید: عمار کدام است؟ عمار در پاسخ گفت: منم. پرسید: «ابو الیقظان»؟ گفت: آری. مرد گفت سخنی دارم آشکارا بگویم یا پنهان؟ عمار گفت: اختیار با توست. گفت: آشکارا می گویم: من در مبارزه با معاویه و تابعانش از ساعتی که از خانه بیرون آمدم تردیدی نداشتم و می دانستم آنها گمراهند اما شب گذشته خوابی دیدم که مرا مردد ساخته است: دیدم منادی ما اذان گفت و شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اسلام(ص) داد، منادی آنها هم همین طور، نماز بپا شد همه مانند هم نماز خواندی تلاوت قرآن همه یکنواخت می نمودیم(از خواب بیدار شدم) شك مرا فرا گرفت با خود گفتم: اگر آنها بر باطلند پس چرا همه چیز آنها مثل ما است این شب را تا به صبح به سختی به پایان رساندم، خدا می داند بر من چه گذشت، صبح خدمت امیرمؤمنان(ع) رفتم و جریان را با او در میان گذاشتم، امام(ع) فرمود: عمار را ملاقات کرده ای؟ گفتم: نه! فرمود: او را ملاقات کن، بین چه می گوید؟ و لذا اینجا آمدم.

عمار گفت: صاحب آن پرچم سیاه را که در برابر من قرار گرفته می شناسی او عمرو عاص است من همراه پیامبر(ص) در برابر همین پرچم سه بار جهاد کرده ام و این بار چهارم است که از آن سه نوبت بهتر نشده، بلکه بدتر و فاجتر شده است. آیا «بدر»، «احد» و «حنین» را حاضر بوده ای؟ و یا پدرت شاهد آنها بوده که به تو خبر دهد؟ گفت: نه! عمار گفت: مرکز امروز ما با علی(ع) درست همان مرکز پرچم پیامبر(ص) است در روز «بدر»، «احد» و «حنین» و مرکز پرچم اینها مرکز پرچمهای مشرکان احزاب است، آن لشکر را و کسانی که در آن هستند می بینی؟ به خدا سوگند اگر همه آنها با معاویه که با ما می جنگند و از هدف ما جدا هستند يك موجود زنده بودند من آنرا سر می بریدم و قطعه قطعه می کردم. سپس فرمود: برای ت روشن ساختم؟ گفت: بلی! عمار گفت: اکنون اختیار با توست! مرد برگشت، عمار دوباره او را صدا زد و گفت آنها به زودی با شما می جنگند تا آنجا که بد اندیشان خواهند گفت اگر بر حق نبودند وضع چنین نبود، ولی خدا می داند آنها به اندازه سر سوزنی بر حق نیستند، اگر با شمشیر ما را از همه جا بیرون کنند می دانیم که ما بر حقیق و آنها بر باطل.(شرح ابن ابی الحدید، جلد 5، ص 256)

امام علی(ع) می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَمَهُ وَجَعَلَهُ تَصْرَةً وَنَاصِرَةً. وَاللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَلَادِينٌ إِلَّا بِهِ: در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگ داشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی شود.

واژه «جهاد» از ریشه «جهد» گرفته شده که به معنای کوشش آمده است.

واژه جهاد مفهومی وسیعتر از «قتال» دارد و مصداق آن منحصر در مبارزه نظامی نیست. «قتال» مصداقش تنها مبارزه و رویارویی نظامی است که فقط با جان تحقق می یابد. اما جهاد هم می تواند با جان و هم با مال و هم با امور دیگر باشد. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ... کسانی که ایمان آورده اند و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند. اما واژه «مجاهده» چون نظیر قتال از باب مفاعله است، در جایی به کار می رود که انسانی

دیگر یا گروهی در مقابل گروه دیگر تلاش و کوشش نمایند، زحمت بکشند و نیرو و انرژی صرف کنند، یعنی صحنه ای است که دو یا چند نفر در مقابل هم و بر ضد یکدیگر فعالیت می کنند.

اما اگر انسان به تنهایی و بدون آن که به دیگران کاری داشته باشد، تلاش کند و صرف نیرو نماید، چه در راه علم و چه در راه عمل، نام این کار «اجتهاد» است. اجتهاد مصطلح نیز که ما در باب مسائل فقهی داریم و در آن جا واژه «مجتهد» را به کار می بریم، در واقع کاربرد این اصطلاح در بعد تلاش علمی است. البته در فقه اهل تسنن بحث اجتهاد به رأی نیز مطرح است، اما اگر مجاهده در میدان نظامی به کار برده شود، در این صورت معنای آن با قتال مساوی خواهد بود، ولی هنگامی که جهاد با نفس مطرح می شود نوعی دوگانگی و رویارویی بین عقل و نفس یا خدا و نفس در نظر گرفته می شود. «اعدى عَدُوَّكَ تَفْسُكَ الَّتِي مِنْ جَنَبِكَ» دشمن ترین دشمن تو نفس تو است که در بین دو چهلوی تو قرار دارد. جهاد اصغر نبرد با دشمن بیرونی است ولی جهاد اکبر نبرد با دشمن درونی است.

جهاد و مراتب آن

جهاد در قرآن گاه با مال و گاه با جان مطرح شده است. «يا ايها الذين امنوا هل ادلكم على تجاره تنجيكم من عذاب اليم. تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فى سبيل الله باموالكم و انفسكم ذلکم خير لكم ان كنتم تعلمون» نکته تفسیری این است که در تمامی مواردی که کلماتی از ریشه جهاد در قرآن به کار رفته و بحث جهاد با مال و جان مطرح شده همیشه بذل مال بر جان و (انفس) مقدم داشته شده است.

گذشته از این که تدارك عقبه جنگ با مال تأمین می شود. اما این روزها جهاد اقتصادی به شکل دیگری مطرح شده که دیگر آن در حد يك برخورد تاکتیکی نیست بلکه به عنوان يك راه برد استراتژيك به حساب می آید. از این جهت است که می فرماید: «انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالكم و انفسكم فى سبيل الله» سبك بار و گران بار، بسیج شوید و با مال و جان در راه خدا جهاد کنید! در چنین موقعیت است که باید فقرا شکیبائی کرده، ثروتمندان فقیر نوازی کنند و دولت اسلامی با برخوردی جدی دنبال حل مشکلات اقتصادی باشد.

امام علی(ع) خود راه و مسیر را به جانب عرصه و ساحت دیگری باز فرموده و آن جهاد به زبان است. آن بزرگ فرمود: «والله الله فى الجهاد بأموالكم و انفسكم و السنتكم فى سبيل الله»، و خدا را خدا را در مورد جهاد در راه خدا با دارایی و جانها و زبانهایتان در راه خدا در نظر داشته باشید. اینجا اشاره به جهاد در برابر تهاجم فرهنگی است که دشمن سعی بر زدودن باورها و ارزشهای پاك اسلامی دینی ما کرده تا که روح و روان و ذهن جوانان ما را آشفته و مملو از تزریقات بیمارگونه خویش کند. پیش از اینها در دوره های گذشته نیز این سبك حملات بر جامعه اسلامی معمول بوده لیکن امروزه مسئله را سخت پیچیده تر و وسیع تر از گذشته کرده اند.

تهاجم و شبیخون فرهنگی، امروزه از تهاجم و شبیخون نظامی اقتصادی کاربردی بیشتر و مؤثرتر دارد. ترویج و نشر شبهات، تضعیف ایمان، القاء و سوسه انگیز شایعه ها، ازجمله ابزارهای به کار گرفته شده در این طرح است. به واقع آن ایمان مردم بود که بر دشمنان کمر بسته غالب آمد. جوانان برای رسیدن به فوز شهادت چه گریه ها که نکردند و چه سر و دستها که نشکستند! بخش مهم آن نهضت فرهنگی را قلم و بیان حضرت امام(ره) خود عهده دار شده بود. او با تمام دارائی و جان و ایمان مرد و زن این مرز و بوم و فراتر از آن سخن می گفت. سخنش از دل برآمده و لاجرم بر دلها می نشست، البته قلمها و قدمهای دیگران نیز که شاگردان آن رادمرد بزرگ بودند جای قدردانی و قدرشناسی دارد.

مرکب قلم دانشمندان از خون شهدا برتر است

گو این که واژه جهاد بیش از هرچه جهاد مسلحانه را به ذهن متبادر می سازد، لیکن آنچه در این فراز از بحث قابل تأمل است این است که جهاد دارای مراتب و انواعی است که می توان گفت جهاد به سه نوع است که ابتدا جهاد با مال، سپس جهاد با جان و در نهایت جهاد با زبان آمده است. شاید وجه این ترتیب این باشد که اگر فقط با بذل مال خطر دشمن دفع می شود جانتان را به خطر نیندازد. اما اگر مبارزه با مال کارساز نبود آنگاه باید سلاح بردارید و آماده جانفشانی شوید و به جهاد با جان اقدام کنید. با این همه، ممکن است در میدانها و شرایطی، نه مال و نه جان کارآیی نداشته باشد و خطر دشمن را دفع نکند و لازم باشد که با زبان و قلم وارد عرصه شوید و از دین و اسلام دفاع کنید. از همین جا می توان پی برد که چرا ائمه اطهار(ع) فرموده اند: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء: مرکب قلم دانشمندان از خون شهدا برتر است.»